



افکار عمومی در انتظار روشنگری پیرامون شائبه های سفر نخست وزیر ارمنستان به تهران

پس از آنکه استعفاء جنجالی و نافرجام وزیر امور خارجه در ششم اسفندماه، بخش عمده ای از دستاوردهای سیاسی و رسانه ای سفر رئیس جمهور سوریه به تهران را تحت الشعاع قرار داد؛ برخی بی تدبیری ها و حواشی پرنرگ در جریان سفر نخست وزیر جمهوری ارمنستان به کشورمان در تاریخ هشتم اسفند ماه نیز تبعات و هزینه های قابل توجه سیاسی اجتماعی را به منافع ملی کشورمان تحمیل نموده و در این راستا افکار عمومی، در انتظار روشنگری است.

به گزارش آران نیوز: سفر نیکول پاشینیان نخست وزیر ارمنستان تهران از آن جهت سفری پر هزینه برای منافع ملی و انسجام سیاسی اجتماعی کشورمان محسوب می گردد که دستگاه سیاست خارجی، بنا به هر دلیلی که باید در خصوص آن توضیح دهند؛ تدبیر مناسبی در انتخاب زمان انجام سفرو سطح میزبانی بعمل نیاورده و مهم تر از آن بخش مربوطه در سیستم امنیتی کشور نیز نقش مورد انتظار و هوشمندانه ای در قبال مراسم دیدار مقام ارمنی با بخشی از ارمنه تهران در باشگاه آارات، ایفا نمود و نتیجه آن ایجاد حواشی و عکس العملهای متعاقب آن و برخی سوء استفاده ها از وضعیت پیش آمده بوده است.

نظر به اینکه اکنون با گذشت زمان؛ بخش عمده ای از مسائل پیرامون این سفر فروکش نموده و طیف گسترده ای از نظرات و دیدگاه ها مطرح گردیده، شایسته است در نوعی جمع بندی منطقی، به منظور مشخص شدن دلایل اصلی بروز این تبعات؛ نکاتی با رعایت اجمال بیان گردد.

الف) در تشریح آنچه مورد اشاره قرار گرفت؛ لازم است مواردی از تبعات منفی مساله فوق در قبال منافع ملی کشورمان مورد اشاره قرار گیرد:

1- به طور طبیعی مردم مسلمان جمهوری آذربایجان مخصوصا طیف اسلامگرایان این کشور شیعی که غالباً علاقمند به جمهوری اسلامی ایران هستند؛ از آنچه در جریان سفر نخست وزیر ارمنستان به کشورمان گذشت، سخت آزرده خاطر شدند. حاج ایلقار ابراهیم اوغلو در بخشی در پیام تصویری خود اظهار نموده است: « با دردمندی باید متذکر شویم که ما افراد با ایمان در آذربایجان با دیدن این خبر، خیلی ناراحت شدیم و قلبمان به درد آمد. آنچه بیشتر موجب ناراحتی قلبی مان شد، این بود که رییس دولت ارمنستان در ادامه دیدارها در ایران، در دیدار با ارمنه محلی در باشگاه آارات، یک عکس سلفی نیز گرفت و براساس نوشته مطبوعات در پس زمینه این عکس سلفی، شعار بزرگی نصب شده بود... شعار " قره باغ متعلق به ارمنستان است. والسلام". این، یعنی رجزخوانی؛ این، رجزخوانی در مقابل فرمایش بزرگ یک عالم بزرگ اسلامی است که می فرماید " قره باغ خاک اسلام است" و " جان باختگان برای آزادی آنجا شهید هستند". این باید قطعا بررسی شود.»

بدیهی است رفتاری که اینگونه باعث آزرده گردی خاطر مومنین دومین کشور شیعی جهان شده باشد، حتما با آرمانهای انقلاب اسلامی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران سنخیتی نخواهد داشت و اینگونه مسائل در کنار تبلیغات گسترده ایران هرسانه توسط کنشگران رقیب در محیط جمهوری آذربایجان می تواند در شکل گیری تصویرغیرواقعی از سیاستهای کشورمان در اذهان و افکار مردم مسلمان آذربایجان تاثیر گذار بوده و در شکل گیری ذهنیت و حتی رفتار آنان در قبال کشورمان نقش منفی داشته باشد.

2- حاشیه های سفر نخست وزیر ارمنستان به کشورمان، بهترین هدیه متولیان امر به محافل قوم گرای ضد ایرانی جمهوری آذربایجان، طرفداران البته کم تعداد برخی محافل ضد انقلاب اسلامی مانند فرقه شیرازی، وهابیون و طرفداران لایه های ایران ستیز حاکمیت جمهوری آذربایجان از جمله برخی نمایندگان پارلمان آذربایجان محسوب می گردد که طی چند روز گذشته در فضای مجازی، رسانه ای و نزد افکار عمومی آذربایجان، نفرت پراکنی های گسترده ای علیه جمهوری اسلامی و ارزشهای شیعی به راه انداختند که برگزاری تجمع ضد ایرانی با شعارهای قوم گرایانه در مقابل سفارت کشورمان در باکو تنها یکی از فعالیتهای آنان بوده است. این محافل و گروه های ضد ایرانی همزمان با تبلیغات منفی گسترده علیه کشورمان، اسلامگرایان آذری را به دلیل پایبندی به ارزشهای شیعی و علاقمندی به آرمانهای جمهوری اسلامی مورد شدیدترین هجمه های روانی و رسانه ای قرار دادند و در این میان حتی برخی فعالان سیاسی - اجتماعی این کشور که هر گونه ایجاد تنش در روابط تهران باکو را اسباب خرسندی و سوء استفاده اسرائیل، آمریکا و ارمنستان ارزیابی نموده بودند، به جاسوسی برای ایران متهم شدند.

همچنین در این آشفته بازار رسانه ای، سفارت جمهوری آذربایجان در تهران نیز جرات نمود تا نسبت به انتشار آشکار اقدامات هنجار شکنانه برخی عناصر قوم گرا در فضای مجازی اقدام نماید که پیگیری این مساله نیز نباید از دید متولیان مربوطه پنهان بماند. علاوه بر این برخی رسانه های ترکیه مانند سایت اینترنتی turkgun نیز با انتشار مقالاتی سعی در القاء رویارویی ملی در کشورمان را داشتند. این سایت اینترنتی در مقاله ای نوشت: « ایران با یک مشت تبریز ویران خواهد شد.»!

3- اقدام توهین آمیز نخست وزیر بی تجربه ارمنستان در باشگاه آارات، موجی از خشم و نفرت را در میان مردم کشورمان مخصوصا در مناطق شمالغرب کشور و شهرهایی مثل تبریز و اردبیل ایجاد نمود که به شکل گیری برخی حرکتیهای اعتراضی مردمی در مراسم نماز جمعه تبریز، موضع گیری برخی ائمه جمعه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، درخواست بیش از 60 نفر از اصحاب فرهنگ و رسانه

شهر تبریز از وزارت امور خارجه به منظور برخورد قانونی با مسببین مسائل یاد شده، برگزاری تجمع مردمی حمایت از آزادی قره باغ در جامعه المصطفی شعبه تبریز، ابراز ناخرسندی گسترده مردم در فضای مجازی و... منجر گردید. علاوه بر این؛ در ورزشگاه یادگار امام (ره) تبریز نیز ضمن اینکه تعداد قابل توجهی از تماشاگران با تاکید بر هویت شیعی قره باغ در راستای تعلق آن به جهان اسلام و جمهوری آذربایجان شعار می دادند، گروهی از تماشاگران با تحریک تعداد محدودی از عناصر قوم گرا شعارهای هنجارشکنانه ای مطرح کردند و بدیهی است تداوم این گونه روندها می تواند انسجام اجتماعی کشور را با چالشهایی مواجه نموده و زمینه سو استفاده دشمنان ایران اسلامی را فراهم آورد که نمونه ای از آتش تهیه رسانه ای آن مورد اشاره قرار گرفت.

4- موج رسانه ای و طوفان مجازی ایجاد شده به دلیل حواشی این سفر، دستگاه سیاست خارجی کشور را در بهره مندی از فرصتی که در نتیجه اظهارات هوشمندانه مقام معظم رهبری در دیدار نخست وزیر ارمنستان می توانست ایجاد شود محروم نمود. مقام معظم رهبری پس از سالها؛ صراحتاً در خصوص مناقشه قره باغ و آمادگی ایران برای کمک به حل این مناقشه و تاکید بر لزوم حل آن از طریق گفتگو اظهار نظر نمودند که این سخنان در کنار نظرات مشخص مقام معظم رهبری در خصوص قره باغ (معرفی قره باغ به عنوان خلک اسلام و تعلق آن به جمهوری آذربایجان) با استقبال رسانه های آذری مواجه شد و چنانچه حواشی بعدی ایجاد نمی شد، سیاست خارجی کشور می توانست با پیگیری خط مشی ترسیمی مقام معظم رهبری در راستای ارائه طرح رسمی و قابل اجرا برای حل منازعه قره باغ اقدام نماید که این ابتکار در شرایطی که بازیگران منطقه ای و فرمانطقه ای از روندهای مناقشه قره باغ برای تقویت نفوذ راهبردی در قفقاز جنوبی فرصت سازی می کنند، می توانست به پویایی سیاست خارجی قفقازی ایران کمک نماید.

5- بدیهی است حواشی ایجاد شده، واکنش های مردمی متعاقب آن، سوء استفاده های بعمل آمده توسط قوم گرایان تجزیه طلب و همچنین واکنش محافل رسمی کشورمان به منظور مدیریت مسائل در مجموع بر روندهای همگرایانه در روابط تهران باکو و در عین حال بر روابط دیپلماتیک تهران- ایروان تاثیر منفی خواهد گذشت و نتیجه « باخت باخت » در مقابل ادعای « برد برد » دولت تدبیر و امید بهترین توصیف برای وضعیت پیش آمده می باشد.

ب) اکنون لازم است چرایی بروز این تبعات تشریح شده و به این سوال اساسی پاسخ داده شود که مسئولیت این مسائل متوجه کدام سازمان یا افراد می باشد؟

1- انتخاب روز 27 فوریه (یک روز پس از سالگرد فاجعه خوجالی) از سوی وزارت امور خارجه کشورمان برای میزبانی از نخست وزیر جمهوری ارمنستان با هیچ منطقی حتی منطق ادعایی (و البته قابل تامل) خود این وزارت خانه هم سازگاری ندارد. مسئولین وزارت امور خارجه که همواره بر اهمیت عدم تاثیر پذیری روابط ایران با ارمنستان و جمهوری آذربایجان از مناقشه قره باغ قرار تاکید می نمایند، باید صریحاً توضیح دهند چرا دقیقاً در ایام سالگرد فاجعه خوجالی که مردم مسلمان جمهوری آذربایجان یاد و خاطره 613 (از جمله 63 کودک) قربانی این فاجعه را گرامی می دارند؛ بایستی میزبان نخست وزیر کشوری باشند که به عنوان مسبب اصلی این فاجعه شناخته می شود. آیا وزارت امور خارجه بر اساس وظائف قانونی خود نظر دستگاه های تاثیر گذار در مسائل مربوط به منطقه قفقاز را در برنامه ریزی های مربوط به این سفر و زمان انجام آن اخذ نموده است؟ آیا اساساً مساله مهمی مانند سفر نخست وزیر جمهوری ارمنستان به کشورمان (با توجه به همه حساسیتهای موجود از جمله اشغال بخشی از اراضی اسلامی و کشتار تعداد کثیری از مسلمانان آذری توسط این کشور و حساسیت مردم مسلمان ایران مخصوصاً مردم شمالغرب کشورمان به این مسائل و...) در شورا یا کمیته ای با حضور همه دستگاه های تاثیر گذار در سیاست خارجی قفقازی کشورمان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؟

2- همانگونه که مشخص است، آنچه مهمتر از موعد نامناسب این سفر موجب ایجاد حساسیت گردیده، حضور نخست وزیر بی تجربه و غربگرای ارمنستان در جمع چند هزار نفری هم کیشان خود در باشگاه آارات و بیان تحریک سخنان تحریک آمیز و نصب پلاکارد «قره باغ خاک ارمنستان است و بس» در این باشگاه و سلفی معنادار و رجز گونه ی پاشینیان با عبارت فوق - که بر روی پرچم رژیم خود خوانده قره باغ نقش بسته بود- می باشد. عبارت یاد شده علاوه بر اینکه به طور طبیعی برای مردم مسلمان جمهوری آذربایجان ناخوشایند است؛ از این جهت موهن و غیر قابل بخشش محسوب می گردد که در خاک جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام و دقیقاً در تضاد با تعبیر زیبای مقام معظم رهبری مبنی اینکه « قره باغ خاک اسلام است » نگارش یافته بود.

در ایجاد این حاشیه نابخشودنی و پررنگ تر از متن نیز وزارت خارجه باید پاسخگو باشد که اساساً این مراسم بر پایه چه منطقی تشکیل شده است؟ اگر بعد از این؛ برگزاری چنین برنامه هایی با حضور چند هزار نفری یا چند ده و چند صد هزار نفری برخی اقوام کشورمان (مانند ترکمن، عرب، آذری، بلوچ و...) و با سخنرانی دولتمردان کشورهای همسایه به یک عرف تبدیل شود، آیا با حاکمیت ملی کشورمان سازگاری خواهد داشت؟ آیا نقض همه قوانین جمهوری اسلامی در اجتماع ارامنه و انتشار گسترده آن در فضای مجازی حکمتی دارد؟ آیا رجز خوانی نخست وزیر یک کشور همسایه اشغالگر علیه دیگر کشور همسایه با تدبیر مورد ادعای دولت تدبیر و امید و سیاست "ایجاد توازن" مورد استناد وزارت خارجه همخوانی دارد؟ و...

3- البته در این میان آنچه بیش و پیش از مسئولیت وزارت امور خارجه به ذهن متبادر می گردد مسئولیت رها شده ی بخش مربوطه در سیستم امنیتی کشور است. سیستم امنیتی کشور که پیش از این (مثلاً در مهر ماه سال 97) شدیداً مخالف برگزاری چند کنفرانس علمی ضد اشغالگری با حضور برخی فعالان سیاسی اجتماعی جمهوری آذربایجان در شهرهای شمالغرب کشورمان بود و در این راستا از هیچ اقدامی مانند تهدید، احضار و حتی بازداشت برخی متولیان این نشست ها و تغییر چند باره محل برگزاری نشستهای علمی (و برخی اقدامات سلبی دیگر که حتی بیان آنها هم با منافع ملی کشورمان سازگاری ندارد) دریغ نکرد، چگونه با برگزاری این میتینگ تبلیغاتی برای نخست وزیر غربگرای کشور اشغالگر ارمنستان موافقت نموده است؟ چرا بدیهی ترین وظیفه این نهاد در راستای کنترل و مدیریت مسائل امنیتی و سیاسی محل برگزاری این میتینگ مورد غفلت واقع شده است؟ حداقل کاری که می شد انجام داد، پیگیری

و نظارت بر اقدامات نخست وزیر ارمنستان، کنترل وضعیت سالن و محتوای بنرهای متعدد نصب شده در آن بود که هم سبب نقض قوانین داخلی کشور نشود و هم زمینه ای برای تضعیف روابط ایران و همسایگانش نگردد.

بخش مربوطه در سیستم امنیتی کشور که در زمان برگزاری کنفرانسهای ضد اشغالگری در شهرهای شمالغرب کشور از طریق ارگان رسانه ای غیر رسمی خود؛ ادعای غیر واقع کشاندن مناقشات خفته به عمق ایران را دلیل مخالفت و مانع تراشی خود در قبال برگزاری کنفرانس های ضد اشغالگری اعلام می کردند، اکنون باید پاسخگوی هزینه ها و تبعات منفی شده به خاطر سهل انگاری یا اشتباه محاسباتی خود باشند.

سخن پایانی

1- پس از مسائل فوق سخنگوی وزارت امور خارجه با ارائه توضیحاتی ضمن معقول دانستن! حضور نخست وزیر ارمنستان در باشگاه آزارات و دیدار با هم کیشان ایرانی خود؛ اظهار داشت: بدون شک برافراختن چند بنر به زبان ارمنی در مورد مناقشه قره باغ در محل باشگاه فرهنگی و ورزشی آزارات، اقدامی خودسرانه و غیرقابل پذیرش بوده و به هیچ وجه مورد تأیید جمهوری اسلامی ایران نمی باشد. طبیعی است صرف تاکید وزارت امور خارجه بر عدم تأیید نصب چند بنر به زبان ارمنی در باشگاه آزارات حتی حداقل انتظار افکار عمومی مردم کشورمان در شمالغرب کشور و نیز مردم مسلمان جمهوری آذربایجان را برآورده نمی نمود و لذا پس از آن رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به عنوان مقام رسمی کشور در حوزه دیپلماسی عمومی و مراودات فرهنگی، روز 14 اسفندماه در طی یک کنفرانس خبری اظهار داشت: « در روزهای اخیر به دلیل یک سوء تفاهم، رنجش خاطری برای مردم عزیز جمهوری آذربایجان ایجاد شد که متأسفانه این رنجش خاطر شبهه و شایعه تغییر استراتژی جمهوری اسلامی ایران نسبت به ملت و دولت جمهوری آذربایجان را پراکنده است... تا جایی که من می دانم مقام معظم رهبری همیشه مدافع مردم و دولت آذربایجان (دولت به معنای آنچه در جمهوری آذربایجان با عنوان "دولتچیلیق" یاد می شود که به مفهوم استقلال سیاسی، تمامیت ارضی و حق حاکمیت مردم آذربایجان می باشد) بوده اند و خواهند بود... رهبر معظم انقلاب اسلامی در حال و گذشته؛ همواره مهرو مهربانی خودشان را نسبت به مردم جمهوری آذربایجان بروز داده اند و هم اکنون نیز هیچ تغییری در نظرشان ایجاد نشده است. «؛ اظهار نظر فوق با عناوینی مانند « سخنان مقام رسمی و نزدیک به رهبر انقلاب» به شکل گسترده ای در فضای رسانه ای و مجازی جمهوری آذربایجان منعکس شد و توانست تا حدودی سوء تفاهمات ایجاد شده را کاهش دهد.

2- موضع گیری سخنگوی وزارت خارجه نه تنها تناسبی با انتظارات افکار عمومی نداشته است، بلکه شبهه جدیدی مبنی بر تعمد در بروز حاشیه سازی های اخیر را ایجاد می نماید. واقعیت اینست که پس از سفر اواخر دی ماه سال 97 رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح کشورمان به باکو که در جریان آن سرلشکر باقری با شفافیت و صراحت به غیر قابل پذیرش بودن تداوم اشغال سرزمین های جمهوری آذربایجان و آواره شدن مردم این سرزمینها برای ایران تاکید نموده بود؛ "توازن" سنتی، مطلق، و غیرمنطقی وزارت امور خارجه کشورمان در منطقه قفقاز به نفع کشور مسلمان جمهوری آذربایجان به هم خورده بود و تاکید سخنگوی وزارت خارجه بر اینکه سفر نخست وزیر ارمنستان به ایران در چارچوب سیاست خارجی متعادل و "متوازن" ایران با همسایگان (ایران و جمهوری آذربایجان) صورت گرفته است این شبهه را ایجاد می نماید که چه بسا وزارت خارجه خواسته باشد از این طریق به احیاء توازن مورد علاقه خود اقدام نماید.

3- عدم پاسخگویی مناسب وزارت امور خارجه و بخش مرتبط با این مسائل در سیستم امنیتی کشور به سوالات و شبهات شکل گرفته در نزد افکار عمومی مخصوصاً اصحاب فرهنگ و رسانه، باعث تشدید تصور تاثیر گذاری لابی ارامنه در برخی مراکز حساس کشورمان گردیده و لازم است دستگاه های صدرالاشاره بدون کلی گویی و با ارائه پاسخ های شفاف و معرفی عناصر مقصر و معرفی آنان به مراجع قانونی به وظائف خود عمل نمایند تا هم زمینه تکرار چنین اقدامات اشتباهی در آینده از بین رود و هم شائبه ها و شبهه های پیش آمده در این خصوص مرتفع گردد که به هیچ وجه شایسته ارکان رسمی و دولتی نظام جمهوری اسلامی ایران نیست.

4- مطلب نهایی اینکه دفاع تمام قد مردم و مسئولین ایران اسلامی از مردم مسلمان جمهوری آذربایجان و تاکید آنان بر تعلق قره باغ به جمهوری آذربایجان به عنوان بخش ناگسستنی جهان اسلام وعالم تشیع؛ اقدامی اعتقادی-ایمانی و نه قومی می باشد که ظاهراً برخی محافل سیاسی اجتماعی و تعدادی از نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان از درک آن عاجز هستند و خواسته یا ناخواسته تلاش می نمایند حمایت مردم انقلابی و متدین شهرهایی مانند تبریز و اردبیل و زنجان از مسلمانان جمهوری آذربایجان را از دریچه نامقبول قوم گرایی تفسیر نمایند و اتفاقاً برخی محافل و فعالان رسانه ای کشورمان نیز با استناد به برخی اظهار نظرات اینگونه افراد و سیاستها و رفتارهای ضد اسلامی تعدادی از دولتمردان جمهوری آذربایجان در حمایت از مسلمانان این کشور دچار تشکیک می شوند؛ لذا لازم است دولت جمهوری آذربایجان بدون گرفتار شدن در اشتباه محاسباتی مبتنی بر باورهای تاریخ گذشته قومی به این واقعیت مهم توجه داشته باشد همانگونه که مردم مسلمان ایران مخصوصاً شمالغرب کشور در ماجرای اخیر ثابت کردند کمترین تعرضی نسبت به بخش کوچکی از خاک جهان اسلام را بر نمی تابند؛ هر گونه بی احترامی به مقدسات اسلامی و سخت گیری به مسلمانان توسط هیچ دولتی را نیز تحمل نمی نمایند.